

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شمارهٔ چهل و نهم، بهار ۱۴۰۰، ص ۲۸-۱

## بررسی محتوایی کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی بر پایهٔ مکتب سودگرایی اخلاقی

دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران\*

چکیده

قانعی طوسی در قرن هفتم هجری کلیله و دمنهٔ بهرامشاهی با انشای نصرالله منشی را در ۱۰۵۴۸ بیت در بحر متقارب به نظم کشید. کلیله و دمنه اثری اخلاقی است که می‌توان آن را براساس نظریات اخلاقی بررسی کرد. یکی از این مکتب‌ها، سودگرایی اخلاقی است. دیدگاه سودگرایی نظام اخلاقی هنجاری است که ملاک اخلاقی بودن فعل را اصالت لذت می‌داند. از دیدگاه این مکتب، ارزش‌ها تا جایی سزاوار حفظ و ارتقاء هستند که تفسیرشدنی و تأویل‌پذیر به منافع رفاهی فردی و لذت جمعی باشند؛ اما همواره سود فرد بر جمع ترجیح دارد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد: کدام یک از اقسام سودگرایی اخلاقی در کلیله و دمنهٔ منظوم قانعی طوسی بسامد بسیاری دارد؟ براساس دستاورد این پژوهش، با اینکه کلیله و دمنه اثری اخلاقی است، بیشترین سود اخلاقی مدنظر در این متن ادبی، سود فردی است. باید سود فردی را بر منافع جمعی ترجیح داد؛ تاجایی که کلیله و دمنه به پادشاه امر می‌کنند، اگر زبردستی هم‌رتبهٔ او شده است، باید آن را از میان بردارد.

واژه‌های کلیدی

کلیله و دمنهٔ منظوم، قانعی طوسی، سودگرایی، لذت‌گرایی، اخلاق

asieh.zabihnia@gmail.com

\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور یزد

تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۹

تاریخ وصول ۹۹/۶/۳۰

## ۱- مقدمه

ملک‌الشعرا امیر بهاء‌الدین احمد بن محمود قانعی طوسی از شاعران پارسی‌گوی ایرانی در آسیای صغیر است. او در اواخر قرن ششم هجری در طوس متولد شد:

من آن روزها در خراسان بُدم      ز ایام شاد و تن‌آسان بُدم  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۸)

قانعی بعد از حمله مغولان به خراسان، در ۶۱۷ ق. به هندوستان، عدن، صنعا، مکه، مدینه و بغداد سفر کرد. سپس از بغداد به آسیای صغیر رفت. وی در مقدمه کلیله و دمنه منظوم، قبل از ورود به بحث اصلی در بابی تحت عنوان «در وصف قائل گوید» همه این ماجرا را به شعر بیان کرده است:

چو دوران این گنبد تیزگرد      ز اطراف عالم برآورد گرد  
جهان از مغل پر از جنگ و جوش      به گردون گردان برآمد خروش  
خراسان و آن مرزها شد خراب      بدان‌سان که خون بود در جوی آب  
(همان: ۴۸)

من اندر خراسان نجستم امان      گریزان برفتم به هندوستان  
(همان: ۴۸)

به کشتی کشیدم به شهر عدن      وز آنجا به صنعان و مرز یمن  
به شهر مدینه کشیدم ز راه      درنگی نبودم یکی جایگاه...  
فراوان برین برنیامد زمان      سوی شهر بغداد گشتم روان  
وز آنجا شتابان سوی مرز روم      به شادی رسیدم به آباد بوم  
(همان: ۴۹)

او در آسیای صغیر به مدح علاء‌الدین کیقباد سلجوقی پرداخت و ملک‌الشعرا دربار سلجوقیان روم شد.

در آن بی‌نوایی دلم گشت شاد      به دیدار شاه جهان کیقباد...  
به مداحی او رسیدم به کام      برآمد مرا در همه روم نام...  
(همان: ۴۹)

قانعی افزون بر کعباد، غیاث‌الدین کیخسرو ثانی و عزالدین کیکاوس را مدح گفت. او بیش از چهل سال سلجوقیان آسیای صغیر را ستود و منظومه سلجوق نامه را در شرح سلطنت آن خاندان به نظم آورد:

ز هرکس که اصلش ز آب است و گل      به سلجوق نامه نباشم خجل  
(همان: ۵۰)

قانعی طوسی «در سال ۶۵۷ یعنی حدود یک قرن بعد از ترجمه بهرامشاهی، کتاب کلیله و دمنه را به نظم درآورده است» (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۶۱). او این اثر را در قونیه آسیای صغیر و به نام عزالدین کیکاووس بن کیخسرو کعباد دوم - از سلجوقیان روم - سرود. خود قانعی درباره نظم کلیله و دمنه می‌گوید:

ز تألیف آن روزگاری گذشت      کسی گرد نظم کلیله نگشت  
من آن را به خود نظم کردم چنین      که هر لفظ او گشت ذری ثمین  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۵۰)

قانعی در منظومه کلیله و دمنه، پیش از ورود به بحث اصلی، ابواب مفصلی (پنجاه باب) را به اندرز شاهان اختصاص می‌دهد. این بخش به‌تنهایی پندنامه‌ای مفصل است که به بایدها و نبایدهای اخلاقی می‌پردازد. او در پایان این بخش تصریح می‌کند که «به هنگام نقل کتاب، هیچ مطلبی را از نثر به نظم حذف نکرده و تنها برخی از سخنان کث و نابسامان را انداخته است» (صفا، ۱۳۸۴: ۱۰۰). «سال درگذشت او معلوم نیست. گویا تا سال ۶۷۲ ه. ق. زنده بود» (همان).

کلیله و دمنه اثری اخلاقی است که بخش اعظم آن به بایدها و نبایدهای اخلاقی درباب کشورداری اشاره دارد. منظور از اخلاق «علم به صفات فاضله و رذیله است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۶). همین بایدها و نبایدهای اخلاقی کلیله و دمنه را می‌توان از دید مکتب فلسفی سودگرایی بررسی کرد؛ زیرا مصلحت فردی یا جمعی ایجاب می‌کند تا سود و فایده را در نظر گرفت.

#### ۱-۱ پرسش پژوهش

در کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی کدام یک از اقسام سود بیشترین لذت را در پی

دارد؟

## ۱-۲ پیشنهاد پژوهش

تاکنون ۳۲ مقاله در سایت نورمگز درباره سودگرایی اخلاقی منتشر شده است که سه مورد آن با مبحث مقاله حاضر ارتباط بیشتری دارد:

اترک در سال ۱۳۸۴، مقاله‌ای با عنوان «سودگرایی اخلاقی» در مجله نقد و نظر چاپ کرد. او در این مقاله به بررسی انواع مکاتب سودگرایی و نقد آن‌ها پرداخته است.

آهی و مهربانی ممدوح در سال ۱۳۹۳، مقاله‌ای با عنوان «عمل‌گرایی (پراگماتیسم در کلیله و دمنه)» در مجله متن‌پژوهی ادبی منتشر کردند. از نتایج این مقاله این است که عمل‌گرایی و سودگرایی در عین جدا بودن، نزدیکی زیادی با هم دارند.

فؤاد حیدری در سال ۱۳۹۷، مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی مصادیق سودگرایی اخلاقی در گلستان سعدی» در مجله پژوهش در هنر و علوم انسانی چاپ کرد. متن اصلی مقاله که دو صفحه است، به صورت کلی، سودگرایی را با ذکر نمونه از گلستان سعدی برشمرده است.

در برخی از کتاب‌ها و یک مقاله، به قانعی طوسی و کلیله و دمنه منظوم او اشاره شده که این آثار به شرح زیر است:

در مناقب‌العارفین از شمس‌الدین احمد افلاکی، از کتاب کلیله و دمنه قانعی یاد شده است. به گفته افلاکی او در مراسم درگذشت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی در قونیه شرکت کرده و رباعی هم سروده بوده است (افلاکی، ۱۳۷۵: ۲۲۱).

نسخه خطی کلیله و دمنه قانعی طوسی در موزه بریتانیا موجود است. نسخه عکسی آن در فهرستواره کتابخانه (مینوی، ۱۳۷۴: ۱۰۰) و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (به شماره ف ۱۳۹۱) موجود است. همچنین نسخه خطی دیگری از این اثر که نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، در کتابخانه ملک در تهران موجود است. این اثر به تصحیح ماگالی تودوا، پژوهشگر و ادیب گرجستانی، در سال ۱۳۵۸ ش. در انتشارات بنیاد فرهنگ ایران در تهران، در ۵۳۳ صفحه چاپ شده است.

سرگزی در سال ۱۳۸۲، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تحقیق در کلیله و دمنه و آثار مربوط به آن» به معرفی کوتاه کلیله و دمنه منظوم قانعی پرداخت.

تاتاری در سال ۱۳۸۸، در کتاب *نام‌آوران توس* به معرفی قانعی طوسی پرداخت. آیدنلو در سال ۱۳۹۷، مقاله‌ای با عنوان «قانعی طوسی مقلد کمتر شناخته‌شده فردوسی» در مجله *جستارهای ادبی* چاپ کرد. در این مقاله آمده است: گرچه موضوع این منظومه تعلیمی - تمثیلی با حماسه ملی ایران متفاوت است، قانعی به دلایلی مانند انتخاب وزن *شاهنامه* برای نظم *کلیله و دمنه*، همشهری بودن با فردوسی و ایران‌دوستی و شاهنامه‌گرایی سلجوقیان روم، هم احترام خود را به فردوسی نشان داده و هم به صورت‌های مختلف از *شاهنامه* بهره‌مند شده و تأثیر گرفته است.

### ۳-۱ روش پژوهش

این مقاله می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل محتوا، سودگرایی را در *کلیله و دمنه* منظوم قانعی طوسی از دیدگاه طرفداران این نظریه تحلیل و ارزیابی کند. تحلیل محتوایی یکی از راه‌های چند بُعدی است که محقق را در شناخت محتوا یاری می‌رساند. تحلیل متون ادبی در چارچوب معین، در زمینه ادبیات راه را برای فهم و درک اشعار هموار می‌کند. با شگرد تحلیل محتوا «نحوه تفکر و جهان‌بینی شاعر یا نویسنده معلوم می‌گردد و باورهای شاعر و نویسنده را نسبت به مسائل جاری بیان می‌دارد» (ستوده، ۱۳۷۳: ۷۷) و ارزش فکری آن را تبیین می‌کند.

### ۲- مفاهیم نظری پژوهش

#### ۲-۱ مکتب سودگرایی

نظریه سودگرایی معتقد است «یگانه معیار نهایی صواب، خطا و الزام اخلاقی، اصل سود است. منظور از اصل سود را می‌توان به این صورت بیان کرد که در همه رفتارهای اخلاقی خود باید همواره سود جمعی و گروهی را در نظر بگیریم؛ به بیان دیگر، اصل سود به این معناست که ما باید در همه اعمال خود به دنبال آن باشیم که بیشترین غلبه ممکن خیر بر شر (یا کمترین غلبه ممکن شر بر خیر) را در کل جهان (یا دست‌کم، در جامعه خود) محقق کنیم» (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۵). لذت، غایت است (مور، ۱۳۸۵: ۲۰۵) و مکتب سودگرایی و لذت‌گرایی، اصل سود و معیار درستی و نادرستی را غلبه بیشتر خیر عمومی بر شر می‌داند.

سودمندگرایی، فایده‌گرایی، فایده‌باوری، اصالت سود، اصالت نفع یا یوتیلیتاریانیسم<sup>۱</sup> که مطلوبیت‌گرایی و منفعت‌گرایی ترجمه شده است، شاخه‌ای از نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایان است. مکتب سودمندگرایی که ملاک اخلاقی‌بودن فعل را «اصالت لذت» معرفی می‌کند، از دوره یونان باستان تاکنون به صورت‌های گوناگونی بیان شده است. بنابر سودمندگرایی، اخلاقی‌ترین عمل، عملی است که «سودمندترین گزینه برای طرفین اثرپذیر» باشد؛ حتی اگر مضر (ذاتاً شر) باشد (اترک، ۱۳۸۴: ۲۶۵). در فایده‌گرایی، فرد لحاظ می‌شود؛ ولی همه آنها در پس پیامدگرایی به حداکثر رساندن مطلوبیت و مفاهیم مرتبط با آن لحاظ می‌شود.

استدلال پیروان این مکتب اخلاقی برای اثبات ارزش ذاتی لذت این است که انسان طبیعتاً طالب لذت است و از رنج و درد می‌گریزد. برای هر فرد، خوشی و لذت خود او مطلوب است و هیچ‌کس رنج و ناراحتی خود را نمی‌خواهد. بر این پایه، ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت لذت خود فرد است. در نتیجه کاری که برای فاعل اخلاقی لذت‌بخش باشد، ارزش‌گیری مثبت دارد و باید صورت‌گیری؛ در مقابل، کاری که برای فاعل وی رنج‌آور است، ارزش‌گیری منفی دارد و نباید انجام شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۷۲). براساس نوع نگاه به این صفات، مکاتب گوناگونی مانند لذت‌گرایی، منفعت عمومی، قدرت‌طلبی و عاطفه‌گرایی و... به وجود آمده است که بیانگر بینش، روش و فرجام‌نگری متفاوت در آنهاست (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۳: ۶۵). نکته توجه‌برانگیز این است که خاستگاه مکتب سودگرایی، بعد از یونان باستان، انگلستان است.

### ۳- بحث و بررسی

#### ۳-۱ مؤلفه‌های مکتب سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم قانعی

برخی از انواع سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی به شرح زیر است:

#### ۳-۱-۱ سودگرایی ترجیحی

سودگرایی ترجیحی سود را به معنای «ارضای امیال و ترجیحات می‌داند و عمل درست را آن می‌داند که میزان بیشتری از امیال و ترجیحات مردم جامعه را برآورده

سازد» (براندت، ۱۳۷۹: ۲۳۴). نمونه سودگرایی ترجیحی در کلیله و دمنه منظوم، در قصه خسرو و قبره آمده است:

خسروی پرنده قبره در دربار دارد که دو بیضه می‌نهد. در آغاز، خسرو و به تبع وی درباریان مراقب دو جوجه قبره هستند:

بدان شاد شد خسرو نیک‌مرد	دو بیضه نهاد و دو بچه بکرد
که تیمار دارندشان دم‌به‌دم	فرستادشان هر دو اندر حرم
بدارندشان همچو جان عزیز	عزیزان کاخ و غلام و کنیز
به فرمان او سر برافراشتند	دو تن را یکایک چو جان داشتند

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۳۷۶)

دو ماه همین‌گونه گذشت، تا اینکه خسرو خودش صاحب فرزند می‌شود:

چو بگذشت بر ایشان دو ماه	ملک را یکی کودک آمد چو ماه
--------------------------	----------------------------

(همان: ۳۷۶)

روزی که خسرو بقرار فرزندش بود، او را به نزد خود آورد. زمانی که فرزند در بغل خسرو بود، یکی از جوجه‌ها با چنگال خود، پشت دست کودک را زخمی می‌کند و دست کودک خراشیده می‌شود. خسرو به سبب مهر فرزند هر دو جوجه قبره را می‌کشد:

ملک‌زاده از مهر بُد بی قرار	یکی بچه آورد اندر کنار
چو دست از نوازش سوی او کشید	سر پنجه مرغ بر وی رسید
بدان‌سان کزان پشت دستش بخت	ورا کرد شهزاده با خاک پست
دگر بچه را هم به‌خواری بکشت	بود گوهر شهریاران درشت
همان در زمان قبره آمد پدید	دو بچه بدان‌سان فکنده بدید

(همان: ۳۷۷)

قبره که جوجه‌های خود را کشته می‌بیند، تصمیم می‌گیرد از خسرو انتقام بگیرد:

بگفت این و خود را درو درفکند	بزد پنجه و هر دو چشمش بکند
------------------------------	----------------------------

(همان: ۳۷۹)

در قصه قبره، خسرو دو بچه قبره را می‌کشد؛ به این دلیل که با چنگال و ناخن فرزند

خسرو را آزدند. قبره هم به نفع خود چشمان کودک خسرو را کور می‌کند. خسرو برای انتقام به دنبال کشتن قبره است. او هر مگری را به کار می‌برد تا قبره را بکشد؛ اما قبره معتقد است اگر دشمن ادعای دوستی می‌کند، نباید فریب خورد:

چو دشمن کند دوستی در سخن      بکوشد به حفظ تن خویشتن

(همان: ۳۷۵)

کسی را که باشد ز کار آگهی      پرهیزد از غفلت و ابله‌ی

(همان: ۳۷۵)

قانعی طوسی در کلیله و دمنه منظوم در بیتی می‌گوید هیچ بخششی بی‌غرض نیست؛ زیرا همه منافع خود را ترجیح می‌دهند. برزویه طیب برای آوردن کلیله و دمنه به هند سفر می‌کند و به‌طور ناشناس با هندویی طرح دوستی می‌ریزد. بعد از مدتی وقتی برزویه هدف اصلی خود را از دوستی با وی و سفر به هند بیان می‌کند، هندو به برزویه می‌گوید:

مرا بود معلوم مقصود تو      گواهی دهد بخشش و جود تو

(همان: ۵۹)

### ۳-۱-۲ سودگرایی و عدالت

عدالت از جمله مباحثی است که مدنظر سودگرایان است؛ زیرا نفع عدالت شامل عموم مردم می‌شود.

زمانه بنازد به آن شهریار      که این هر دو سازد شعار و دثار

که کارش همه عدل و احسان بود      ازو کار بر مردم آسان بود

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۳۹۷)

ویلیام گادوین<sup>۲</sup> (۱۷۵۶-۱۸۳۶ م.)، سودگرای انگلیسی اعتقاد دارد که «عدالت مستلزم آن است که ما هر کاری را که می‌توانیم برای پیشینه‌سازی سود عمومی انجام دهیم؛ حتی اگر مُردن برای آن هدف باشد» (Scarre, 1998: 443).

از دیدگاه دیوید هیوم<sup>۳</sup> (۱۷۱۱-۱۷۷۶ م.)، فیلسوف اسکاتلندی و از پیشروان مکتب تجربه‌گرایی، عدالت هم وقتی به دست می‌آید که اجتماع به وظیفه خود با نظر به منافع شخصی روشن‌بینانه عمل کند. اصول اخلاقی هم از سودمند بودن برمی‌آید و به آن بستگی دارد. اصولی مانند عدالت به میزان سودمندی آنها بستگی دارد (سابقین، ۱۳۵۳، ج



۲: ۲۳۲). در کلیله و دمنه آمده است که نتیجه سود دادگری شاهان، افراد شهری و لشکری را در بر می‌گیرد و نفع عمومی دارد:

نبد هیچ رسم ستمگری      برآسوده بُد شهری و لشکری  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۵۲۷)

سود عدل و انصاف شاهان موجب آبادانی امور مردم جهان می‌شود:  
به انصاف ایشان و رای مهان      عمارت پذیرفت کار جهان  
دلی را زخود خسته نگذاشتند      بسی کاخ و ایوان برافراشتند  
(همان: ۵۲۷)

در کلیله و دمنه منظوم عدالت‌گری نشانه خرد است و بیدادگری همان بی‌خردی است:  
ز شاهان هر آنکس که دارد خرد      ز آیین بیدادگر بگذرد...  
(همان: ۵۲۶)

بیدادگری موجب خستگی و ملال مردم از شاه می‌شود:  
بدو شادمان گشت جان گروه      به بیداد از او کس نگرده ستوه  
(همان: ۴)

انسان به اندازه کافی باهوش است که دریابد عدالت و حکومت باثبات به سود اوست. فلسفه اخلاق هیوم نیز بر مبنای فایده‌مندی قرار دارد. به نظر هیوم تصور ظلم و عدل و داد و بی‌داد نیز از همین جا برمی‌خیزد. آنچه عدل را به صورت یک الزام طبیعی درمی‌آورد، فایده‌مندی و انطباق آن با مصلحت فرد است (پولادی، ۱۳۸۸: ۸۱). در کلیله و دمنه، سود عدل عمومی و به نفع دیگران است. رای به شاه می‌گوید با پیروی از عدل است که:

بیاساید از سایه تو جهان      پرستش کنندت کهان و مهان  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۵۲۸)

عدل شاه جهان را سرشار از سور می‌کند:  
ز دیدار او چشم بد دور باد      ز عدلش جهان سر به سر سور باد  
(همان: ۳۷۳)

حلم و داد شاهان از همهٔ امور بهتر است و اسباب آرامش و شادی مردم عالم را فراهم می‌کند:

به نزد کسی کز خرد هست شاد      چه باشد به از حلم شاهان و داد...  
اگر نیستی حلم شاهان و داد      نبودی کس از داد در ملک شاد...

(همان: ۴)

نیز: «ز دادش جهان جفت آرام باد» (همان: ۴۴).

به عقیدهٔ جیمز میل<sup>۴</sup> (۱۷۷۳-۱۸۳۶ م.) عدالت حکم می‌کند که «انسان از آغاز حیات به‌طور مساوی از مواهب طبیعت برخوردار باشد و هرکس با امکاناتی که خود، به دست می‌آورد، در صحنهٔ رقابت زندگی، شخصیت خود را پرورش دهد» (پالمر، ۱۳۸۵: ۸۲). استوارت میل دربارهٔ عدالت چنین می‌گوید: شاخص‌ترین مورد بی‌عدالتی، ... موارد تهاجم نابه‌جا یا موارد نابه‌جای اعمال قدرت بر افراد است. مورد بعدی بی‌عدالتی، شامل دور نگه‌داشتن نابه‌جای فرد از خیری است که قسمت اوست. در هر دو مورد، صدمه‌ای به فرد وارد می‌آید که می‌تواند به‌شکل رنج، عذاب مستقیم و محروم کردن از خیر طبیعی یا اجتماعی بروز کند که آن را دلیل معقولی برای بهره‌مندی از آن می‌داند. استوارت میل سرانجام در جمع‌بندی نتیجه می‌گیرد که «عدالت» نامی برای اقتضائات اخلاقی معین است که اگر جمعی در نظر گرفته شود، در مقیاس فایدهٔ اجتماعی، در ردهٔ بالاتری قرار می‌گیرد. او علاقهٔ فرد به خودمختاری و امنیت را حیاتی‌ترین منافع او معرفی می‌کند (کری، ۱۳۷۹: ۱۰۵). کلیله‌و‌دمنه پی‌درپی اندرز می‌دهد که ظلم کام را ناخوش می‌کند:

ز تو عیش یک آدمی نیست خوش      ازین ظلم کردن عنان را بکش

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۵۲۸)

اگر بر کسی بد سگالد کسی      که او را معاون نباشد بسی  
وگر در دل آرد بزرگی ستم      دل زیردستی شود جفت غم  
بباید دهد شاه را آگهی      پذیرد بدان دست او را کوتاهی

(همان: ۵۲۹-۵۳۰)

عدالت و دادگری از جمله موضوعاتی است که در کلیله‌و‌دمنه منظوم قانعی به آن

فراوان تأکید شده است. علاوه بر متن، در پایان اغلب حکایات، در ضمن مدح عزالدین کیکاووس بن کیخسرو کیقباد دوم، آنان را را اندرز می‌دهد و به دادگری و عدالت سفارش می‌کند. قانعی حتی در مقدمه کلیله و دمنه، دو باب را به عدل شاهان و دادگستری و مذمت ظلم و بیداد اختصاص می‌دهد و از شاهان می‌خواهد تا با دادگری، آسایش رعیت را فراهم آورند. باب دادگستری با بیت زیر آغاز می‌شود:

چو شاه جهان دادگستر بود رعیت ز دادش توانگر بود  
(همان: ۴۱)

باب عدل شاه با بیت زیر شروع می‌شود:  
اگر نیستی عدل شاهان داد نبودی رعیت همه عمر شاد  
(همان: ۱۴)

پس سودِ عدل و داد شامل حال همه مردم می‌شود.

### ۳-۱-۳ سودگرایی ازسوی دیگران

هنری سیجویک<sup>۵</sup> (۱۸۳۸-۱۹۰۰ م.)، فیلسوف سودگرایی انگلیسی قرن نوزدهم که از طرفداران خودگرایی اخلاقی به شمار می‌رود، به اصل نیک خواهی معتقد بود. از دیدگاه او، اینکه انسان به ترجیح خیر کمتر خویش نسبت به خیر بیشتر دیگران هدایت شود، یک شهود بنیادی اخلاقی است (کمبل، ۱۳۸۰: ۱۱). در کلیله و دمنه منظوم برای این موضوع می‌توان کرم و بخشش را نام برد. بخشش و کرم جزو امور اخلاقی است که از سرمایه و سود انسان می‌کاهد؛ اما شادی دیگری را به دنبال دارد:

کرم بر ستاره برد نام پست کرم شاد دارد دل زبردست  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۱۳)  
کرم مرد را شاد و نامی کند میان گروهی گرامی کند  
(همان: ۱۳)

نیز: من از دولت او رسیدم به کام (همان: ۳۷۳).

بنیان‌گذاران این مکتب آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰ م.)، اقتصاددان انگلیسی، ارث‌شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰ م.)، فیلسوف انگلیسی و اگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷ م.)،

فیلسوف فرانسوی هستند. در این مکتب احساسات بشردوستانه گاهی علت فاعلی معرفی می‌شود و گاهی غایت و هدف دانسته شده است. در هر حال با مکتب نفع عمومی یادشده ارتباط تنگاتنگ دارد. این گروه می‌گویند کارهایی که به‌عنوان خودخواهی صورت گیرد، کار اخلاقی نیست؛ تنها کاری عنوان فعل اخلاقی را به خود می‌پذیرد که هدف از آن غیردوستی و غیرخواهی باشد نه خودخواهی (راسل، ۱۳۹۳: ۶۸)؛ مانند حکایت زاهد و راسو. در این حکایت، زن زاهد در حال حمام کردن است، زاهد هم خانه نیست و تنها نگهبان کودک راسوست:

به خانه یکی راسویی داشتند      ورا پیش آن مهد بگذاشتند  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۳۵۶)

ناگهان ماری از سوراخ دیوار بیرون می‌خزد و قصد دارد به کودک آسیب رساند:  
ز سوراخ ماری سیه بردمید      شتابان بر مهد کودک دوید  
(همان: ۳۵۶)

راسو در دفاع از کودک، مار را می‌کشد و از خون مار، دست و پنجه‌هایش خونین می‌شود. زاهد از راه می‌رسد و گمان می‌برد راسو کودک را کشته است و با این ظن راسو را می‌کشد:

چنان بی‌گنه راسویی را بکشت      پشیمان شد و باد بودش به مشت  
(همان: ۳۵۳)

### ۳-۱-۴ سودگرایی عمل نگر

براساس سودگرایی عمل‌نگر<sup>۶</sup> باید همواره، یا در هر جایی که ممکن باشد، با توسل مستقیم به اصل سود، صواب یا الزامی بودن امور را تعیین کنیم (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۷). یکی از بن‌مایه‌های سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی این است که دم را باید غنیمت شمرد؛ زیرا جهان و مافیها گذران است؛ بنابراین باید تا جای ممکن از جهان بهره برد:

کسی باشد از هوشمندان مصیب      که بردارد از هرچه باشد نصیب...  
چو دی رفت و امروز پاینده نیست      چرا دل یکی داری و غم دویست  
ز چیزی که داری کنون بر بخور      که جاه و بزرگی بود در گذر  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۰۱)

سودگرایی جرمی بن‌تام<sup>۷</sup> (۱۷۴۸-۱۸۳۲ م.) از این نوع سودگرایی تلقی شده است. امروزه جی. جی. سی. اسمارت<sup>۸</sup> و جوزف فلچر<sup>۹</sup> از فیلسوفان اخلاق مغرب‌زمین، مدافع این نوع سودگرایی شناخته می‌شوند (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۸).

مشو بدگمان و بترس از نهیب	چو پای بقا داری اندر رکیب
که دارد بقا در پی خود فنا	نباید که باشی دمی بر عنا
پشیمانی آنگه ندادت سود	ز تارک چو گیتی کلاهدت ربود

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۵۲۸)

### ۳-۱-۵ سودگرایی قاعده‌نگر

سودگرایی قاعده‌نگر<sup>۱۰</sup> بر نقش محوری قواعد در تعیین معیار و هدف احکام و گزاره‌های اخلاقی تأکید می‌کند و معتقد است که ما باید همواره بکوشیم با توسل به قواعد اخلاقی، تکلیف خود را در مواردی جزئی تعیین کنیم؛ یعنی نباید در پی این باشیم که ببینیم کدام عمل بیشترین خیر و فایده را دارد؛ بلکه همواره باید جویای آن باشیم که بدانیم کدام قاعده بیشترین سود را در پی دارد (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۹۴). نمونه این نوع سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم آمده است. قاعده این است که پُست اجرایی را به جبر و زور به کسی ندهند:

ولیکن نباشد مصون از خلل	کسی را به اکراه دادن عمل
چو کاری دهی بنده ای را به زور	نتابد بیایست او ماه و هور
نیابد ز شادی دلش هیچ بهر	چو در شغل باشد به جبر و به قهر
چو نبود دلش شاد بیگانه و گاه	اسیری بود بر در پادشاه
بدان‌سان دل او بود پر ز خون	که از عهده کار خود ناید برون
من اندر قبول عمل کارهم	نخواهم که خود را در آتش نهم

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۰۴)

اصل سود را باید برای تعیین قواعد اخلاقی به کار گرفت و نه تعیین موارد جزئی. اصل سود معیار نهایی ارزش‌گذاری‌های اخلاقی است؛ اما باید در سطح قواعد به آن تمسک کرد، نه در سطح احکام و ارزش‌گذاری‌های جزئی. هرگونه انتخاب، تعویض و تجدید نظری در قواعد نیز باید براساس میزان سود و منفعت عمومی آن‌ها صورت پذیرد.

فیلسوفانی مانند جورج بارکلی<sup>۱۱</sup> (۱۶۸۵-۱۷۳۵ م.) و آر. بی. برانت<sup>۱۲</sup> از مدافعان این دیدگاه معرفی شده‌اند (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۹۵). یکی از معیارهای اخلاقی در کلیله و دمنه منظوم این است که نباید با دشمنان دوستی کرد:

چه خوش گفت دانای روشن ضمیر      که از دشمنان دوست هرگز مگیر

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۷۴)

نیز: کجا زشت همواره بدخو بود (همان: ۴۰).

منافع در نگه داشتن رعایت احتیاط و عاقبت اندیشی است: در داستان موش و گربه، گربه در بند اسیر است. موش می‌خواهد بندها را بچَود. وی برای احتیاط یکی از بندهای اصلی را زمانی می‌گشاید که گربه برایش خطری نداشته باشد. موش به گربه می‌گوید:

تو را برگشایم خود افتم به بند      ندارند این هوشیاران پسند

مرا بهره نبود ز رای و خرد      چ باطل کنم جانب حفظ خود...

چو دفع مضرت به صلح تو بود      دل من بدان صلح رغبت نمود...

بدان کار شاید که داری رضا      که آن کار را وقت کرد اقتضا...

(قانعی، ۱۳۵۸: ۳۶۹)

یکی عقده بگذارم از بهر پاس      که دارد دل من ز چنگت هراس...

(همان: ۳۶۹)

یکی عقده بگذاشت آن هوشیار      که بندش بدان عقده بود استوار

(همان: ۳۶۹)

قاعده و معیار دوستی و دشمنی براساس سود است:

بود دوستی‌ها همه بهر سود      که دانی که روزی زیان را ستود

کنون قربت تو زیان من است      کزان بیم آسیب جان من است

(همان: ۳۷۱)

قاعده سودگرایی ایجاب می‌کند که راز را برای دشمن و از کسی که از آدمی در بیم و

هراس است، نباید فاش کرد:

بر آن کس که از تو هراسان بود      تو را رازگفتن نه آسان بود

که آن موجب مردن است و هلاک  
نهفته شود سر بدان زیر خاک  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۳۱۶)

### ۳-۱-۶ سودگرایی و لذت مثبت

لذت از نظر آریستیپوس<sup>۱۳</sup> (۳۵۶-۴۳۵. پ. م) غایت زندگی است. برای آریستیپوس لذت مثبت و حاضر، غایت زندگی بود (کاپلستون، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۴۵). از دیدگاه قانعی طوسی در کلیله و دمنه، باده‌نوشی لذت حاضر و مثبت را به شخص می‌دهد. مثبت از این دید که زنگار نفاق و زرق را از دل می‌شوید و حتی دل مستمندان با آن شاد می‌شود؛ زیرا شراب، نوشنده را سخی می‌کند:

گل‌ابی به رنگ گل و ارغوان	بده ساقی آن رخشنده جان
بر تیر اندوه جوشن بود	کزو ساغر و شیشه روشن بود
بدان دوستان را بود اتفاق	بشوید ز دل زنگ زرق و نفاق
نباشی ز گفت فلک دل گران	دلت شاد گردد به دیدار آن
چو خوردی به انده نگردی نژند	بدو شاد گردد دل مستمند

(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۲۸)

تو دیگر مپای و مبر روزگار	چو توفیق ایزد تو را گشت یار
که داند که هر دم چه بازی کند	که دور فلک ترک‌تازی کند

(همان: ۶۴)

### ۳-۱-۷ سودگرایی و خودخواهی

انسان به‌طور فطری در پی سود خود است. دیوید هیوم از پیشروان مکتب سودگرایی اعتقاد دارد که «هرکس منافع و سود خود را می‌خواهد؛ زیرا احساسات او را به‌سوی این هدف می‌برند» (خشایشی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). او اذعان می‌دارد که بیشتر مردم نمی‌دانند در صورت وجود قواعد رفتار - که ممکن است مستلزم عقب‌انداختن تأمین فوری خواست‌ها به سود منافع درازمدت باشد - رفاه آن‌ها بهتر به دست خواهد آمد (عالم، ۱۳۸۱: ۳۸۴). بین احساسات آرام و احساسات خشن فرق وجود دارد. احساسات آرام را عقلی رهنمون است که می‌تواند منافع شخصی روشن‌بینانه را تشخیص دهد؛ اما

احساسات خشن برآوردن فوری منافع را می‌خواهد (پازارگاد، ۱۳۴۸، ج ۲: ۷۸۴) در کلیله‌و‌دمنه به شاه توصیه می‌شود که فقط منافع خود را در نظر گیرد:

یکی شهر مردم همه بی‌گناه      فدا کرد باید بر پادشاه  
(قانع‌ی طوسی، ۱۳۵۸: ۱۶۲)

که نفسی سزد گر بود در جهان      به شدت فدای یکی خاندان  
یکی خاندان را به نیک و به بد      فدای یکی قوم دارد خرد  
(همان: ۱۶۱)

شاعر در کلیله‌و‌دمنه منظوم به شهریار توصیه می‌کند که نباید نگران جان کسی باشد:  
نباید که داری غم نفس کس      چو تو زنده مانی در این ورطه بس  
(همان: ۴۶۰)

رأی شاهان از رأی کل سپاه بهتر است:  
جهان شادمان باشد از رای شاه      کجا<sup>۱۴</sup> رای شاهان به است از سپاه  
(همان: ۵)

همه امور باید در خدمت شاه باشد و همه افراد باید بنده شاه باشند:  
جهان سربه‌سر زیر پیمان اوست<sup>۱۵</sup>      زمین و زمان بنده فرمان اوست  
(همان: ۶)

در کلیله‌و‌دمنه، گوهر و نژاد شهریار برتر از عامه مردم دانسته شده است؛ همه سود باید در خدمت شهریار باشد:

شناسند آنان که باگوهرند      که تو دیگری و جهان دیگرند  
نیرزد جهانی به یک موی تو      مبیناد کس چین بر ابروی تو  
(همان: ۴۵۹)

بهترین نمونه سودگرایی و خودخواهی در کلیله‌و‌دمنه منظوم قانع‌ی آمده است. ماجرا این است که پیرزنی در روستای تکاو، عاشق دخترش است و دو گاو نیز دارد:  
شنیدی که در روستای تکاو      زنی داشتی دختری و دو گاو...



به دیدار دختر دلش بود شاد      همی گفت جانم فدای تو باد  
(قانعی، ۱۳۵۸: ۳۸۱)

پیرزن در خانه دیگ سبوسی دارد. یک روز گاو، سر در دیگ می‌کند و وقتی می‌خواهد سر از دیگ بیرون کشد، نمی‌تواند:

از آن غافل زن چا پلوس      ورا در خانه دیگی سبوس  
فراوان بکشید و چاره ندید      همی خواست از دیگ سر برکشید  
گاو با دیگی بر سر، وارد خانه پیرزن می‌شود. پیرزن با وحشت فراوان گمان می‌برد که عزرائیل است:

دلش را از آن دیگ دیوانه کرد      ز ناگاه سر را در خانه کرد  
زن زال پنداشت کو مالک است      که گاه اجل زخم او هالک است  
همان‌گه که چشمش مر او را بدید      بدین گونه با او فغان برکشید  
پیرزن خطاب به گاو دیگ بر سر که می‌پندارد ملک‌الموت است، می‌گوید به جای او، دخترش را با خود ببرد:

که من پیرم و عاجز و کور و کر      چه خواهی ز من دخترم را ببر  
(همان: ۳۸۱)

پیرزن با اینکه عاشق دخترش بود، به اقتضای منافع و سود شخصی، حاضر شد تا دخترش پیش‌مرگ او شود.

این قانون نفع شخصی، امروزه به نام «اصل کام‌جویی» یا «لذت‌طلبی» معروف شده است (ژید، ۱۳۷۰: ۵۶۸). از جان استوارت میل<sup>۱۶</sup> (۱۸۷۳-۱۸۰۶ م.) متفکر اخلاق‌گرای بریتانیایی قرن نوزدهم بیان شده است که همه مردم منافع خود را در نظر می‌گیرند:

چو بیمی نبند نازنیش شمرد      چو بیم دل آمد ورا در سپرد  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۳۸۲)

چو آب از سر پُر خرد بگذرد      گرش جان بُود زیر پای آورد  
(همان: ۳۸۲)

نمونه دیگر سودگرایی و خودخواهی در کلیله و دمنه منظوم قانعی بدین شرح است که

در روستای شیراز طبیب مدعی نادانی بود که به سبب کسب سود و درآمد بیشتر همه را به کام مرگ می‌فرستاد:

ورا دعوی علم طب بود نیز      نبودى ز معنی برش هیچ چیز  
درون دل او ز معنی تهی      نبودش به کلی ز علم آگهی...  
بدان جهل خود را طبیی شناخت      معالج شد و کوره کاهی بساخت  
(همان: ۲۱۱)

او به هرکس که دارو می‌داد، از دنیا می‌رفت:

به هرکس که او داروی کار داد      چو بشنید بویش بقای تو باد...  
(همان: ۲۱۱)

تا اینکه دختر سپهدار شیراز بیمار می‌شود. طبیب مدعی برای برای به دست آوردن منافع و سود مصمم می‌شود تا معجونی شفابخش برای دختر آماده کند:

سپهدار شیراز بد سرفزای      برفت آن دل دورییش ز جای...  
که آن را بسازند اندر زمان      که دختر شود شاد و روشن‌روان  
(همان: ۲۱۱)

ز جهل فراوان سرش بود گیج      به جز نام دارو ندانست هیچ...  
بیاورد جامی بدان ماه داد      اجل را سوی جان او راه داد  
(همان: ۲۱۲)

طبیب مدعی به علت تحصیل سود شخصی و خودخواهی، موجبات مرگ دختر را فراهم آورد.

### ۳-۱-۸ سودگرایی و غایت‌اندیشی

ویلیام پیلی<sup>۱۷</sup> (۱۷۴۳-۱۸۰۵ م.)، فیلسوف بریتانیایی معتقد بود که نمی‌توان درستی و نادرستی اعمال را بدون توجه به غایت و نتیجه آن مشخص کرد (پیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۵)؛ مانند غذاخوردن که عملی درست است؛ اما اگر غذایی بخوریم که به بدن آسیب برساند، غایت آن نادرست است؛ زیرا باعث بیماری و رنج و حتی مرگ می‌شود. در کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی آمده است:

چو بیمار کو هست مولع به خورد  
تنش ناتوان باشد و روی زرد  
بداند که آن هست ناسودمند  
به آخر بود حاصل او گزند  
ندارد دمی باز دست از خورش  
اگرچه نباید بدان پرورش  
خورد زان ندارد دلش بیم و باک  
کند حرص خوردن مر او را هلاک  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۲۰۶)

همین مضمون باز هم در کلیله و دمنه تکرار شده است:

نباشد بر آن راستی یارشان  
به آخر ندامت بود بارشان  
چو بیماری از خواب خور بی نصیب  
که راضی نباشد به گفت طیب  
غذا بیش از اندازه خود خورد  
به آخر ورا مرگ بار آورد  
(همان: ۱۴۳)

در کلیله و دمنه آمده است که هرکس فرجام را ننگرد، پشیمانی و غبن به بار می آورد:  
چو فرجام آن کار را ننگرد  
پشیمانی و غبن بار آورد  
(همان: ۴۸۳)

اگر در حصار پناه می گیریم، لازم‌اش این است که غایت امر را بنگریم و استواری حصار را در نظر داشته باشیم:

چو جوید کسی در حصار پناه  
به شرطی که محکم بود جایگاه  
(همان: ۶۲)

جرمی بنتام<sup>۱۸</sup> (۱۷۴۸-۱۸۳۲ م.) فیلسوف انگلیسی است. او را به سبب طرح منسجم و جامع افکار سودگرایانه، بنیان‌گذار و پدر سودگرایی اخلاقی می‌دانند (Stark, 1952: 42). وی خیر را با لذت، و شر را با درد مترادف می‌داند و درست‌ی و نادرستی اعمال را براساس ایجاد لذت و درد می‌سنجید (بلاگ، ۱۳۷۵: ۴۴). دمنه عامل رنج خود را در حرص زیاد و جاه‌طلبی می‌داند. مقام و منصب سیاسی خوب است؛ اما اگر غایت آن رنج، غم و هلاک باشد، ارزشی ندارد:

چو باشد مهر جاهت به دل جای‌گیر  
ز بند و ز زندان نباشد گزیر  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۲۰۶)

بدو گفت دمنه که این راستست  
تو حق گفتی و من ندانستم این  
چو غفلت ز نفسم برآورد دود  
چنان آتش حرص بالا گرفت  
مرا گشت غالب بدان مهر جاه  
نصیحت نشد بر دلم جای گیر  
به دانش نهاد تو آراستست  
کنون رنج سود آمد و جان غمین  
نصیحت بر من گرامی نبود  
که دودش نظر خیره کردی شگفت  
نرفتم به کام دل نیکخواه  
نبودم دلی پاک و جانی خیر  
(همان: ۲۰۵)

در پایان، نتیجه اعمال به ما بازمی‌گردد:

نگر تا چه کاری همان بدروی  
سخن هر چه گویی همان بشنوی<sup>۱۹</sup>  
(همان: ۸۵)

پس لازم است تا در آغاز هر امر، به فرجام امور بنگریم:

نگر تا تو آسان ازین نگذری  
به آغاز فرجام‌ها بنگری  
(همان: ۱۱۴)

در باب گاو و شیر، بانگ گاو او را به دردرس و رنج و هلاکت می‌افکند:  
بکرد اندر آن بیشه بانگی بلند  
نیامد به آخر ورا سودمند  
(همان: ۱۱۴)

### ۳-۱-۹ سودگرایی و اخلاق نسبی

هربرت اسپنسر<sup>۲۰</sup> (۱۸۲۰-۱۹۰۳ م.) یکی از سودگرایان انگلیسی است که از دید او اخلاق نسبی است. اخلاق نسبی دستورالعملی است که در جوامع کم‌ویش متکامل اجرا می‌شود و نزدیک‌ترین تقریب به اخلاق مطلق است. این بدان معناست که پدیدارها پیوسته در حال تغییر و تحوّل هستند؛ در نتیجه، تنها واقعیت موجود، تغییر است. براساس چنین نگرشی، حقیقت امری نسبی و مشروط است (سبزیان موسی‌آبادی و بهمن، ۱۳۸۹: ۱۰۵). هر اندیشه‌ای وابسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی یا حتی فیزیکی و جغرافیایی و برخاسته از همان شرایط است؛ یعنی ممکن است اندیشه و عقیده‌ای در شرایطی مؤثر باشد و با تغییر وضعیت، اعتبار خود را از دست بدهد. در نتیجه، «در آن حقیقت، امری

نسبی و محدود به فرصت خاص تلقی» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۷۴) می‌شود. در کلیله و دمنه منظوم قانعی می‌توان شواهدی از این نسبی‌گرایی را دید. رازداری امری پسندیده است؛ اما در کلیله و دمنه در برابر تغییر شرایط و وضعیت، به‌نوعی نسبت‌گرایی تبدیل می‌شود. برای نمونه، پلنگ در زندان وقتی راز دمنه را می‌شنود، حاضر نیست راز آشکار کند؛ اما با تغییر شرایط افشای راز به عمل خیر و نیک تبدیل می‌شود. پلنگ در زندان، راز دمنه را می‌شنود و سرانجام راز را بر مادر شیر آشکار می‌کند؛ مادر شیر هم برای شیر بازگو می‌کند. در آغاز امر پلنگ حاضر است بمیرد، اما راز آشکار نکند:

کنم فاش تا زنده‌ام راز کس      مرا بهره زین خامشی باد و بس  
مرا راز مردم امانت بود      چون آن فاش باشد خیانت بود  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۲۲۱)

اما مادر شیر عقیده دارد که افشای راز به مصلحت همگان است و نفع عمومی به همراه دارد؛ بنابراین به پلنگ می‌گوید: «به کتمان راز بدآیین مکوش» (همان: ۲۲۲)؛ نیز می‌گوید اگر راز بدن را آشکار نکنی، یار بدن خواهی شد:

که باشی بدان کار یار بدان      بهی بردهد گر پوشی بدان  
ملک نیک‌خواه است و کهتر نواز      نشاید که بر وی بپوشند راز  
(همان: ۲۲۲)

که گر بد کنی بر نت بد رسد      یکی را ز دور زمان صد رسد  
زگیتی هر آن کس که دارد خرد      سزد گر ننازد به کردار بد  
(همان: ۲۲۳)

در کلیله و دمنه منظوم، خموشی، مستحسن و زیباست؛ اما گاهی همین خموشی اگر شکسته نشود، می‌تواند موجب تباه و هلاک شود:

بگویند و از کس مدارید باک      اگر خود دران کشت خواهد هلاک  
کجا هست ازان گفت بسیار سود      بدین سان خموشی نباید نمود  
(قانعی طوسی، ۱۳۵۸: ۲۰۹)

در کلیله و دمنه پیمان‌شکنی، نادرست و عملی غیراخلاقی است:

گرش تن ببرد دل از جان خویش      نگردد ز سوگند و پیمان خویش  
(همان: ۱۶۱)

اما سود و منفعت اقتضا می‌کند جایی که بیم جان است، پیمان شکسته شود:  
به جایی که دارد کسی بیم جان      ز پیمان شکستن نیچند روان  
(همان)

### ۳-۱-۱۰ در مذمت سودگرایی جسمی

ایبکور<sup>۲۱</sup> (۳۴۱-۲۷۰ پ. م.) با قبول اینکه لذت روحانی بر لذت جسمانی ترجیح دارد، معتقد بود برآورد عقلانی درباب منابع لذت و درد، دست‌یابی انسان را به زندگی‌ای ممکن می‌کند که در آن، لذت دیرپا بر درد گذرا غالب باشد (لارنس، ۱۳۷۸: ۴۹).  
بود لذت او را ز خواب و خورش      نیابد تن و جان او پرورش  
(قانع‌ی طوسی، ۱۳۵۸: ۴۲۵)

وقتی برزویه کتاب کلیله و دمنه را از هند با خود به ایران می‌آورد، شاه می‌گوید برای برزویه نام نیکو بهتر از مال است: «که به دارد از مال نام نکو» (همان: ۶۷). برزویه مدعی است که همه شادی وی به این سبب است که در دوران چنین شاهی زندگی می‌کند. او همین سود معنوی را برای خود کافی می‌داند:

تن و جان من زیر فرمان تست      همه شادی دل به دوران تست  
(همان: ۵۷)

قانع‌ی طوسی در مقدمه کلیله و دمنه منظوم خود رسیدن به کعبه را برای خود لذت و سود معنوی می‌داند:

شتابان شدم سوی بیت الحرام      گذشتم ز محنت رسیدم به کام  
به دیدار کعبه شدم شاد دل      ز کار جهان کردم آزاد دل  
(همان: ۴۹)

برزویه طبیب افتخار می‌کند که برای طبابت، دستمزد نمی‌گیرد و سود معنوی نجات جان آدمی برایش اهمیت بیشتری دارد:

به هر جایگاهی که بیمار بود      مرا رنج‌بردن برو کار بود

چو جان خودم جان او بُد عزیز      به پاداش ازو نستدم هیچ چیز

(همان: ۶۹)

چه داری پی ملک و مال جهان      که بگذاری و بگذری ناگهان

(همان: ۸۴)

#### ۴- نتیجه‌گیری

کتاب کلیله و دمنه منظوم قانعی طوسی حکمت عملی و آداب زندگی است و در این اثر همه اندرزها، برای اصلاح سیاست دولت و اخلاق عام به کار گرفته می‌شود؛ اما باید در نظر داشت که سود دولت و حکومت بر سود عامه مردم ارجحیت دارد. نتایج مباحث مقاله عبارت است از:

- ارضای امیال موجب می‌شود تا ما سود شخصی را بر سود دیگران ترجیح دهیم. در کلیله و دمنه ترجیح سود فردی بر سود جمعی امری فطری است.

- عدالت با سودگرایی مرتبط است؛ زیرا سود آن به نفع عموم تمام می‌شود. کلیله و دمنه دادخواهی و عدالت‌گستری را لازمه حکومت تعریف می‌کند و آن را ضروریات یک دولت می‌داند؛ زیرا عدالت و داد موجبات آرامش عامه مردم را فراهم می‌کند.

- براساس نظریه خودگرایی اخلاقی می‌توانیم به سود کمتر راضی باشیم تا دیگران نیز در سود سهیم شوند. در کلیله و دمنه جود و سخا هرچند از مال شخص می‌کاهد، سود آن شامل دیگران می‌شود.

- در کلیله و دمنه، منطبق با نظریه سودگرایی عمل‌نگر باید سود لحظه را در نظر گرفت و دم را غنیمت شمرد.

- سودگرایی و در نظر گرفتن نفع و سود شخصی موجب می‌شود تا خودخواه شویم و همواره منافع خود را در نظر بگیریم. در کلیله و دمنه منافع شاه بر سود عموم برتری دارد و همه سودها باید در خدمت و همسو با سود شاه تعریف و تبیین شود.

- در کلیله و دمنه منظوم بر سودگرایی با قاعده و معیار تأکید شده است؛ همواره قاعده بیشترین سود را در پی دارد.

- در کلیله و دمنه، سودگرایی ستایش شده است، به شرطی که همواره غایت امور را در نظر بگیریم.

- در کلیله و دمنه، سود مثبت باده‌نوشی است؛ زیرا دفع غم می‌کند (سود فردی) و نوشنده آن سخی می‌شود (سود جمعی).

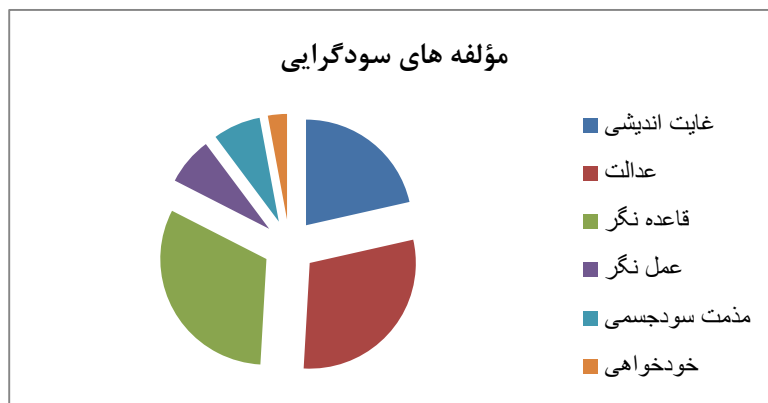
- در کلیله و دمنه، هر معیار اخلاقی بسته به شرایط فرهنگی، اجتماعی یا حتی فیزیکی و جغرافیایی و برخاسته از همان شرایط است؛ یعنی ممکن است تفکری در شرایطی مؤثر باشد و با تغییر وضعیت، اعتبار خود را از دست بدهد.

- در کلیله و دمنه، عالی‌ترین سود، سود معنوی است و سود جسمی مذمت شده است.

#### جدول شماره ۱: مؤلفه‌های مکتب سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم قانع‌ی طوسی

سودگرایی و اخلاق نسبی	مذمت سودگرایی جسمی	سودگرایی عمل‌نگر	سودگرایی ترجمیمی	سودگرایی ازسوی دیگران	سودگرایی و خودخواهی	سودگرایی و لذت مثبت	سودگرایی قاعده‌نگر	سودگرایی و غایت‌اندیشی	سودگرایی و عدالت
۲	۲۰	۱۰	۴	۲۰	۸	۱۰	۸۷	۵۹	۸۱

همان‌گونه که در جدول فوق نمایان است، در کلیله و دمنه منظوم بر دادگری و عدالت‌خواهی شاه سفارش فراوان شده است. قانع‌ی طوسی تأکید می‌کند داد و عدل اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا سود آن به عموم مردم برمی‌گردد.



شکل شماره ۱: مصداق‌های سودگرایی در کلیله و دمنه منظوم قانع‌ی طوسی با طیف

آماري بالا



براساس نمودار بالا، به ترتیب عدالت خواهی، سودگرایی قاعده‌نگر و سودگرایی و غایت‌اندیشی بیشترین بسامد را دارند. گفتنی است در جدول آماری برای سود ترجیحی، خودخواهی و نسبی‌بودن اخلاق، کل یک حکایت در نظر گرفته شد و در مجموع، تعداد حکایات شمارش شدند؛ اما برای سایر موارد، در نظر گرفتن بیت برای معنای انواع سود بسنده بود.

در مجموع، سود خواستنی و مطلوب است؛ زیرا سود خوشی به همراه می‌آورد؛ پس مردم طالب آن‌اند. مردم خواهان لذت و خوشبختی هستند و تنها انگیزه اصلی آن‌ها در انجام امور، خوشی است؛ پس طلب سود امری الزامی است و چون هر فردی سود خود را می‌خواهد، پس کل جامعه (متشکل از افراد)، سود خود را می‌طلبد؛ بنابراین، الزام اخلاقی ایجاب می‌کند تا در پی تأمین سعادت جمعی باشیم.

پی‌نوشت

1. Utilitarianism
2. William Godwin
3. David Hum
4. James Mill
5. Henry Sidgwick
6. act - utilitarianism
7. Jeremy Bentham
8. J.J. C. Smart
9. Joseph Fletcher
10. Rule – utilitarianism
11. George Berkeley
12. R. B. Brandt
13. Aristippus

۱۴. کجا به معنی که

۱۵. این بیت عیناً در صفحه سیزده تکرار شده است.

16. John Stuart Mill
17. William Paley
18. Jeremy Bentham

۱۹. این بیت عیناً در صفحه ۱۱۴ تکرار شده است.

20. Herbert Spencer
21. Epikouros

## منابع

۱. آهی، محمد؛ مهربانی ممدوح، فاطمه (۱۳۹۳)، «عمل‌گرایی (پراگماتیسم در کلیله و دمنه)»، متن پژوهی ادبی، سال ۱۸، شماره ۶۱، ۶۳-۸۲.
۲. آیدنلو، سجاد (۱۳۹۷)، «قانعی طوسی مقلد کمترشناخته شده فردوسی»، جستارهای ادبی، شماره ۲۰۰، ۵۵-۹۰.
۳. اترک، حسین (۱۳۸۴)، «سودگرایی اخلاقی»، نقد و نظر، شماره ۳۷-۳۸، ۲۶۴-۳۰۰.
۴. افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۷۵)، مناقب‌العارفین، تصحیح تحسین یازبجی، تهران: دنیای کتاب.
۵. براندت، ریچارد (۱۳۷۹)، «اشکالات واقعی و ادعایی سودگرایی»، ترجمه محمود فتحعلی، ارغنون، شماره ۱۶، ۲۲۷-۲۴۵.
۶. بلاگ، مارک (۱۳۷۵)، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز، ترجمه غلامعلی فرجادی، [بی‌جا]: وثقی.
۷. پیلی، ویلیام (۱۳۷۹)، «برهان نظم»، ترجمه حسین نوروزی، کلام اسلامی، شماره ۳۳، ۱۱۳-۱۲۱.
۸. تاتاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، نام‌آوران توس، مشهد: ضریح آفتاب.
۹. خشایشی اردستانی، احمد (۱۳۸۸)، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب از افلاطون تا نیچه، چاپ چهارم، تهران: آوای نور.
۱۰. بازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۸)، تاریخ فلسفه سیاسی، چاپ سوم، تهران: زوار.
۱۱. پالمر، مایکل (۱۳۸۵)، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل‌بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. پولادی، کمال (۱۳۸۸)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از ماکیاولی تا مارکس، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
۱۳. راسل، برتراند (۱۳۹۳)، جهانی که من می‌شناسم، ترجمه روح‌الله عباسی، تهران: نشر کتاب‌های جیبی.

۱۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، با کاروان اندیشه، تهران: امیرکبیر.
۱۵. ژید، شارل (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، جلد اول. ترجمه کریم سنجابی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. سابین، جرج (۱۳۵۳)، تاریخ نظریات سیاسی، جلد دوم، ترجمه بهاءالدین بازارگاد، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۱۷. سبزیان موسی آبادی، علیرضا؛ شعیب، بهمن (۱۳۸۹)، «پراگماتیسم و سیاست؛ بررسی و نقد پراگماتیسم در قلمرو سیاست و حکومت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵، ۸۹-۱۲۳.
۱۸. ستوده، غلامرضا (۱۳۷۳)، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران: سمت.
۱۹. سرگزی، عباسعلی (۱۳۸۲)، تحقیق در کلیله و دمنه و آثار مربوط به آن (کلیله ابن مقفع، کلیله منظوم قانعی، انوار سهیلی، عیاردانش و... پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد علوی مقدم، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوس.
۲۱. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب عصر جدید و سده نوزدهم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۲۲. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم: کتاب طه.
۲۳. فواد حیدری، محمد (۱۳۹۷)، «بررسی تحلیلی مصادیق سودگرایی اخلاقی در گلستان سعدی»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۱۳، ۷۳-۷۸.
۲۴. قانع طوسی، احمد بن محمود (۱۳۵۸)، کلیله و دمنه منظوم، تصحیح ماگالی تودوا، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۵. لارنس، سی بکر (۱۳۷۸)، تاریخ فلسفه اخلاق غرب، ترجمه گروهی از مترجمان، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۶. کاپلستون، فردریک (۱۳۹۹)، تاریخ فلسفه، جلد اول، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۷. کمپبل، ریچموند (۱۳۸۰)، «خودگروی»، ترجمه امیر خواص، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق، ویراسته لارنس بکر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱-۲۴۲.
۲۸. کری، جان (۱۳۷۹)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهمی، چاپ اول، تهران: طرح نو.
۲۹. نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: نشر فروغی.
۳۰. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۷۸)، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۱. مور، جرج ادوارد (۱۳۸۵)، مبانی اخلاق، ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۲. مینوی، مجتبی (۱۳۷۴)، فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
33. Scarre, Geoffrey (1998), **Utilitarianism**, in Encyclopedia of Applied Ethics, Academic press.
34. Stark .w. Jeremy Bentham's (1952), **Economic writings**, vol III, London: Allen and Unwin.